
جنبش دانشجویی بلی تکنیک تهران

(دانشگاه امیرکبیر)

۱۳۳۸ - ۱۳۳۹

عباس عبدی

به سفارش

پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی



نشرنی

www.ketab.ir

سرشناسه: عبدی، عباس، ۱۳۳۵
عنوان و نام پدیدآور: جنبش دانشجویی پلی تکنیک تهران - دانشگاه امیرکبیر)،
۱۳۳۸-۱۳۵۷ / عباس عبدی - عباس عبدی / پیشگامان جنبش دانشجویی
خمینی و انقلاب اسلامی.
مشخصات نشر: تهران، نشر نی، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری: ۳۶۷ ص: مصور.
شابک: 978-964-185-213-1
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: دانشگاه پلی تکنیک تهران - دانشجویان؛ جنبش های
دانشجویی - ایران - تهران - تاریخ - ۱۳۳۸-۱۳۵۷؛
دانشجویان - ایران - فعالیت های سیاسی؛ ایران - تاریخ -
پهلوی، ۱۳۲۰-۱۳۵۷
رده بندی کنگره: DSR ۱۵۰۹ / ج ۲ ع ۹ ۱۳۹۳
رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۲۴۰۴۵
شماره کتابشناسی ملی: ۲۴۶۳۱۵۳



نشرنی

نشر و انتشار نی، تکنیک تهران

(دفتر مرکزی)

۱۳۳۸ - ۵۷

باسم عیدی

به سفارش پژوهشکده امام خمینی و رآلاب اسلامی



تمایه ساز فرزانه طاهری

چاپ اول، تهران، ۱۳۹۳

تعداد ۲۰۰۰ نسخه

قیمت ۲۰۰۰۰ تومان

لیتوگرافی باختر

چاپ و صحافی طیف نگار

ناظر چاپ بهمن سراج

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً،
به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی)
بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

شابک ۹۷۸ ۹۶۴ ۱۸۵ ۲۱۳ ۱

www.nashreney.com

فهرست مطالب

۹		مقدمه
۱۹		فصل اول. تأسیس پلی تکنیک
۱۹		گسترش آموزش عالی
۲۱		تأسیس دانشکده صنعتی (پلی تکنیک)
۲۳		نقشه پلی تکنیک اولیه
۲۷		فصل دوم. دانشجویان ورودی به پلی تکنیک (۱۳۵۷-۱۳۳۸)
۲۹		سن و جنسیت
۳۰		محل تولد
۳۱		طول تحصیل
۳۲		زندان و ترک تحصیل
۳۲		عکس
۳۵		فصل سوم. فعالان چریکی در پلی تکنیک
۳۷		چریک‌های فدایی خلق
۴۷		گروه فلسطین
۴۸		سازمان مجاهدین خلق
۵۰		حزب ملل اسلامی
۵۱		فصل چهارم. غروب همه را به خانه می آورد (دوره اول: ۱۳۴۳-۱۳۳۸)
۵۱		فضای عمومی جامعه
۵۷		فضای عمومی دانشکده

۶۴	فعالیت و مبارزه صنفی
۶۹	عزل مهندس نفیسی
۷۴	پولی شدن آموزش
۷۶	مبارزات سیاسی
۸۰	واقعه اول بهمن
۸۴	نظاہرات و میتینگ‌های سیاسی
۸۹	خرد
۹۲	فعالیت‌های اسلامی
۹۷	تالیات‌های اجتماعی و فوق برنامه
۱۰۳	فصل پنجم: پیش از طوفان (دوره دوم: ۱۳۴۷-۱۳۴۳)
۱۰۳	فضای عمومی و مع
۱۰۸	فضای عمومی دانش
۱۱۵	فعالیت‌های صنفی
۱۲۱	شهریه
۱۲۳	تبدیل پلی تکنیک به تکنیکوم
۱۲۹	جامعه فارغ التحصیلان
۱۳۰	فعالیت سیاسی
۱۳۱	الف) فرهنگ جدید سیاسی
۱۳۷	ب) اعتصابات
۱۳۸	ج) مرگ تختی
۱۴۴	فعالیت‌های مذهبی
۱۵۵	حسینیه ارشاد و نقش دکتر شریعتی
۱۵۸	فعالیت‌های اجتماعی و فوق برنامه
۱۶۱	فصل ششم: جرقه‌ای که بر هیزم تر زده شد (دوره سوم: ۱۳۵۲-۱۳۴۸)
۱۶۱	فضای عمومی جامعه
۱۷۰	فضای عمومی دانشکده
۱۸۷	فعالیت‌های صنفی
۱۹۵	فعالیت‌های سیاسی
۱۹۵	اعتراضات علیه شرکت واحد
۲۰۰	گروه ۶۰ نفری
۲۰۵	سال ۱۳۴۹
۲۰۸	سال ۱۳۵۰

۶۱۲	 سال ۱۳۵۱
۶۱۴	 سال ۱۳۵۲
۶۱۹	 فعالیت‌های اسلامی
۶۲۳	 تأسیس مسجد
۶۴۱	 کتابفروشی و کتابخانه
۶۴۳	 تشکلات
۶۴۵	 فعالیت‌های اجتماعی و فوق‌برنامه
۶۴۷	 فصل ششم: رسیدن حباب قدرت (دوره چهارم: ۱۳۵۷-۱۳۵۳)
۶۴۷	 فضای عمومی کشور
۶۵۱	 فضای عمومی تشکده
۶۵۴	 فضای سیاسی جامعه و راه‌ها
۶۵۵	 بسته بودن فضا
۶۵۷	 غلبه نگرش امنیتی
۶۶۰	 ایثار و ساده‌زیستی
۶۶۱	 رشد مذهب
۶۶۴	 روابط با مدیریت دانشکده و استادان
۶۶۵	 تعامل و رقابت میان مذهبی‌ها و چپی‌ها
۶۶۹	 روابط دختر و پسر
۶۷۳	 فعالیت‌های صنفی و فوق‌برنامه
۶۸۱	 زلزله طبس
۶۸۲	 فعالیت‌های سیاسی
۶۸۵	 سال ۱۳۵۳
۶۹۰	 سال ۱۳۵۴
۶۹۲	 سال ۱۳۵۵
۶۹۴	 سال ۱۳۵۶
۷۰۰	 سال ۱۳۵۷
۷۰۲	 فعالیت‌های اسلامی
۷۱۹	 منابع
۷۳۱	 ضمائم. عکس‌ها و اسناد
۷۴۷	 نمایه موضوعی
۷۵۲	 نمایه نام‌ها

مقدمه

انجام این پژوهش متأثر از وجود ترک‌های چند انگیزه بود. امثال من جزو نسلی هستند که زندگی سیاسی و اجتماعی آنان با انقلاب زاده و شکل گرفته است. ما به ندرت به پرسش‌های بنیادین و تا پایان عمر نیز هویت و ذهنیت ما به نحوی درگیر این اتفاق مهم است. اکنون که بیش از چهار دهه از آغاز این تحول و سه دهه از پیروزی انقلاب گذشته، غیر طبیعی نیست که درصدد بازبینی و بازنگری در سوابق و دستاوردهای علمی آن رویداد از خلال تجربیات شخصی خود برآییم. از سوی دیگر علایق و مطالعات شخصی من در حوزه جامعه‌شناسی، موجب می‌شد که همواره دو سؤال چرا انقلاب؟ چرا اسلامی؟ در قالب یک پرسش ترکیبی و کلیدی در حوزه جامعه‌شناسی تاریخی در برابرم قرار داشته باشد، پرسشی که من در پاسخ به آن ده‌ها کتاب و صدها مقاله نوشته شده است، اما باز هم جا برای نوشتن در این باره وجود دارد. پاسخ به این دو پرسش شیوه‌های متعددی دارد، در این پژوهش کوشیده‌ام که پاسخ هر دو پرسش را برحسب وقایع و تجربیاتی که درون یک محیط مشخص و البته نمونه، چون پلی تکنیک تهران رخ داده است، بنویسم. از سوی دیگر تعلق خاطر و حتی تعصب به دانشکده صنعتی پلی تکنیک تهران [دانشگاه صنعتی امیرکبیر، علی] ویژگی معمول در میان دانشجویان آن است و برای من نیز، ده سال زندگی کردن در این محیط از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۶۳ (به جز فاصله سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۲ یعنی دوران تعطیلی دانشگاه‌ها) این تعلق خاطر را دو چندان کرده و انگیزه‌ای شده است تا دین خود را برحسب توانایی‌ام نسبت به این محیط دوست داشتنی ادا کنم، و بهترین کاری که از عهده من برمی‌آمد و می‌توانستم انجام دهم تدوین یک ویژگی مهم این دانشکده، یعنی جنبش دانشجویی آن بود. اما انگیزه دیگری هم در این میان بود، دغدغه سیاسی امروزی من نیز موجب می‌شد که برای پرهیز از اشتباهات گذشته، بکوشم که با انتقال تجربه تاریخی خود به نسل جوان امروزی، نسبت به این وظیفه نیز انجام تکلیف نموده باشم.

ترکیب این انگیزه‌ها بود که موجب شد، دست به کار تدوین جنبش دانشجویی پلی تکنیک تهران شوم، و اولین بار موضوع را با آقای دکتر محسن میردامادی مطرح کردم که استقبال فراوان نمود، در نتیجه قرار شد که برای جلب همکاری و همراهی سایر دوستان دوره دانشجویی به آنان نیز اطلاع داده شود. دانشجویان مذهبی فعال پیش از انقلاب در پلی تکنیک، سالانه یک یا دو بار در رستوران پلی تکنیک جمع می‌شوند و ضمن گفت‌وگو و تجدیدخاطره و دیدار، با یکدیگر شام می‌خورند، این ایده اولین بار در این ماه سال ۱۳۸۱ در یکی از این نشست‌ها مطرح شد که با استقبال جمع مواجه گردید، اما مشکل از آنجا آغاز شد که من چند روز بعد و در ۱۳ آبان سال ۱۳۸۱ بازداشت و روانه زندان شدم و تا ۳۰ ماه بعد که آزاد شدم موضوع مسکوت ماند، اما در زمستان سال ۱۳۸۵ در نشست جمع مذکور مجدداً مطرح گردید و پس از آن به کمک کوچک‌تر متشکل از آقایان ناصر خالقی، ناصر ابراهیمی، محمد هاشمی، محسن میردامادی و... در سال ۱۳۸۶ برای شروع لازم بود که اجرای طرح به سفارش مؤسسه‌ای پژوهشی باشد، از این رو طرح به مدیریت پژوهش‌دهانه خمینی ارائه شد و آنان نیز با روی باز استقبال و موافقت کردند تا حمایت رسمی برای اخذ و جمع‌آوری برخی اطلاعات و اسناد و نیز تأمین بخشی از هزینه‌های طرح را متقبل شوند. البته قبل از توافق نهایی به نظر می‌رسید که اجرای طرح از اواسط سال ۱۳۸۶ آغاز شد و قرار بود در پایان سال ۱۳۸۷ تمام شود. علت تاخیر در پایان با انتخابات ریاست جمهوری نهم و نیز مسائل بعد از آن، این تحقیق با یک سال تأخیر به سرانجام رسید.

در طرح اولیه، هدف فقط بررسی جنبش دانشجویی اسلامی پیش از انقلاب در پلی تکنیک بود، انتخاب این هدف نیز دلایل خاص خود را داشت، زیرا با یک سو دسترسی من به فعالان چپ کم بود، و اگر هم دسترسی حاصل می‌شد، احتمالاً اعتماد لازم برای گفت‌وگو شکل نمی‌گرفت، و از همه مهم‌تر این که بخشی از آنان به دلایل متعدد حاضر به پذیرش «تناسخ» گروه‌ها و فعالیت‌هایی چپ آن زمان نیستند. ضمن این که اعتقاد داشتم، جنبش دانشجویی چپ را که در خود آنان بهتر می‌تواند بنویسد. اما در عمل به این هدف اولیه محدود نشدم. به چند دلیل: یکی این که حداقل نیمه اول مقطع زمانی مطالعه (۱۳۳۸ تا ۱۳۵۷) فعالان سیاسی در قالب‌های غیر ایدئولوژیک حضور داشتند و محدود به دو گروه مذهبی و چپ نبودند و باید فعالیت‌های این گروه نیز منعکس می‌شد. دلیل دیگر این بود که در عمل با برخی از فعالان دانشجویی که منتسب به جریان مذهبی نبودند و از فعالان جنبش چپ بودند نیز گفت‌وگو شد، و حیف می‌آمد که از یافته‌های جالب و موجود در گفت‌وگوهای آنان استفاده نشود. اما مهم‌ترین دلیل این بود که تفکیک جنبش دانشجویی در عمل ناشدنی بود، و به ناچار تلاقی پیش می‌آمد. بنابراین مطالعه حاضر، کلیت جنبش دانشجویی پلی تکنیک را از ابتدا تا سال ۱۳۵۷ شامل شد، اما به دلیل آن که اکثر افرادی که با آنان گفت‌وگو شد (به‌ویژه در دو دوره پایانی یعنی از سال

۱۳۴۸ تا ۱۳۵۷). از فعالان مذهبی دانشکده بودند. بنابراین بیشتر بر جنبش اسلامی دانشجویی تأکید شده است و اگر پس از انتشار فرصتی پیش آمد و سایر فعالان سیاسی دانشجویی آمادگی گفت‌وگو و بیان خاطرات خود را داشتند، امکان آن هست که در آینده مطالب حاضر از این حیث تقویت شود. بنابر این کمتر بودن وزن فعالیت‌های دانشجویی چپ به منزله انعکاس واقعیت آن نیست. در همین جا فرصت را مغتنم شمرده و از کلیه دانشجویان و دیگر افرادی که از وضعیت پلی‌تکنیک تا سال ۱۳۵۷ اطلاع یا نظره‌ای سندی دارند که می‌تواند به تصحیح و تکمیل این تحقیق کمک کند، درخواست می‌شود که مطلب را به هر صورتی که می‌توانند به نویسنده اطلاع دهند، که در این صورت مرارهبین منت خود برده‌اند.^۱

اولین پژوهش مشابه این عنوان در ایران مربوط به دانشگاه تبریز است، این مطالعه ابتدا در قالب محدود و از دفتریات انقلاب اسلامی حوزه هنری در سال ۱۳۷۶ و در کمتر از ۳۰۰ صفحه و به نام آقای عبدالعزیز بادی چاپ شد، همین مجموعه بعداً در حدود ۱۰۰۰ صفحه و به نام رحیم نیک‌بخت از سوی سویس پهر به همان دفتر منتشر گردید، هم‌چنین مطالعه دیگری هم با کوشش فارغ‌التحصیلان دانشگاه صنعتی تبریز درباره تاریخچه مبارزات دانشجویی این دانشگاه آغاز شد که علی‌رغم برخی پیشرفت‌ها، در آنجا متوقف شد و ادامه نیافت. هم‌چنین به فارغ‌التحصیلان دانشکده فنی دانشگاه تهران هم انجام کار مشابهی پیشنهاد شده است اما ظاهراً تاکنون اقدامی مؤثر انجام نداده‌اند، البته آقای دکتر غلامحسین زرگرنژاد تاریخ دانشگاه تهران را به رشته تحریر درآورده‌اند که کمابیش به مسائل دانشجویی و سیاسی آن و دانشکده آن نیز اشاره شده است. پژوهش جنبش دانشجویی دانشگاه تبریز تمرکز بر بیان خاطرات دانشجویان دارد. مطالعه حاضر گرچه از بیان خاطرات استفاده‌های زیادی می‌کند، ولی قالب اصلی آن جامعه‌شناسی تاریخی است که در نهایت چارچوبی کلی را برای فهم تحول اتفاقات در اختیار قرار می‌دهد، آنچه این چارچوب در فصول اصلی پژوهش مشهود است.

شیوه کار بدین صورت بود که پس از مطالعات اولیه و ارائه تحلیلی از جنبش دانشجویی در کشورهای پیشرفته و در حال توسعه،^۲ به سابقه تأسیس دانشگاه در ایران و تحولات کمی آن و نیز به دانشکده صنعتی پلی‌تکنیک تهران پرداخته شده است، هم‌چنین تحلیلی از ویژگی‌های پذیرفته‌شدگان پلی‌تکنیک از زمان تأسیس تا سال ۱۳۵۷ به دست آمد. این ویژگی‌ها از مطالعه پرونده حدود ۴۰۰۰ پذیرفته‌شده پلی‌تکنیک استخراج شده است. در ادامه اسامی تعداد زیادی از فعالان دانشجویی پلی‌تکنیک از ابتدا تا

۱. آدرس الکترونیکی من به این شرح است: abb_abdi@yahoo.com

۲. فصل مربوط به این قسمت و منابع آن در گزارش نهایی حذف شد تا وجه تاریخی پژوهش کم‌رنگ نشود.

سال ۱۳۵۷ تعیین شد و برای شروع تحقیق از این افراد درخواست مصاحبه و گفت‌وگو گردید. آنان در اکثر موارد با روی گشاده از این کار استقبال می‌کردند و برحسب این که حافظه فرد مورد نظر چه مقدار یاری می‌کرد و موضوعاتی که برای طرح داشته باشد زمان گفت‌وگو به درازا می‌کشید و گفت‌وگو هم ضبط می‌شد. گفت‌وگوها کاملاً باز بود، و از تجربه سیاسی یا مذهبی دوران دبیرستان فرد آغاز و تا پایان دانشکده و حتی در مواردی پس از آن را در بر می‌گرفت. تمامی گفت‌وگوها را خودم انجام دادم. با ذکر خاطرات دیگران و بعضاً ارائه شواهد و اسناد، می‌کوشیدم که جزئیاتی از گذشته را به یاد مصاحبه‌شدگان بیاورم. البته آنان برحسب کیفیت و دقت حافظه تاریخی در یک طیف قیصر می‌گرفتند، برخی از آنان چنان از چهل سال پیش سخن می‌گفتند که گویی اتفاقات آن زمان برای آنان اخیراً رخ داده است، و حتی جزئیات را به یاد داشتند، با این افراد بیشترین گفت‌وگوها انجام شد، آقایان ناصر خالقی، سید محمد مدنی، طاهر خرم‌آبادی، سید محمد رضا وافقی، عباس واحدی، علی آقاجعفری و لطف‌الله مکرمی از این جمله‌اند. برخی دیگر فقط بخش کوچکی از گذشته را به یاد می‌آوردند، اما بیشتر افراد در میان این دو گروه قرار می‌گرفتند.

کسانی که با این روش اطلاعات کمی می‌گرفتند، به خوبی می‌دانند که گذشت زمان موجب بروز اشتباه در یادآوری تاریخ و دیگر جزئیات روی می‌شود، لذا محقق با مواردی از اطلاعات بعضاً متفاوت مواجه می‌شود که باید به اصلاح آن‌ها همت کند. در این مطالعه نیز با چنین وضعی مواجه بودم اما برحسب این که مصاحبه‌شوندگان در نقل خاطرات از چه دقتی برخوردار بوده‌اند یا برحسب تکرار مشابه جزئیات یک رویداد از سوی بیش از یک نفر، آن نقل قول را ملاک گرفته‌ام و جزئیات روایت‌های سایرین را مطابق با آن تصحیح کرده‌ام.

اکثر نوارهای گفت‌وگو، پیاده و مطالعه شد، اما نقل قول‌ها اغلب عموماً مطابق با آنچه که در متن نوار است، نمی‌باشد. زیرا از یک سو درج نحوه شفاهی بیان در نوشتار زمان‌بر است و برای نمونه مصاحبه‌شوندگان در خیلی از موارد مطابق عرف معمول از دوستان خود با لفظ بچه‌ها یاد می‌کنند که همه این نوع موارد اصلاح شده است. اما برای این که اشکالی در نقل این گونه خاطرات پیش نیفتد، به این نهایی برای تعداد زیادی از افراد ارسال شد تا قسمت‌های مربوط به خود را مطالعه و اگر اشکالی در نقل‌های خود یا سایرین دیدند تذکر دهند.

در نقل خاطرات گذشته، کوشیده شده است که اسامی افراد و اماکن مطابق زمان وقوع ذکر شود، مهم‌ترین آن‌ها ذکر نام دانشکده پلی تکنیک به جای دانشگاه امیرکبیر است، زیرا پیش از انقلاب آنجا تحت عنوان دانشکده صنعتی (پلی تکنیک تهران) شناخته می‌شد، و اندکی پیش از انقلاب تبدیل به دانشگاه شد، اما کماکان در محاوره دانشجویان، لفظ دانشکده به کار برده می‌شد. هم‌چنین اسامی افراد مثل امام خمینی که در آن زمان آیت‌الله خمینی نامیده می‌شدند، یا اسامی خیابان‌ها و... که عموماً در گفت‌وگوها

بر حسب فرد مصاحبه‌شونده، اسامی بعد یا پیش از انقلاب ذکر می‌شده است از این مواردند. اما برای یک دست شدن متن و مطابق با فضای آن زمان بودن، کلیه اسامی و القاب مطابق زمان وقوع ذکر شده است و برای آگاهی خوانندگان در مواردی که لازم باشد، نام کنونی آن‌ها نیز آمده است.

کوشیده شده است که برای آشنایی خواننده، حتی المقدور اسامی که در متن آمده برای یک بار هم که شده مختصری توضیح درباره آن‌ها داده شود، به‌ویژه آن‌که اسامی زیادی از دانشجویان برای خوانندگان عادی شناخته شده نیست. این توضیحات در مواردی معطوف به آینده پس از دانشگاه فرد نیز هست تا درک بهتر از نوشتن فعالان سیاسی پیدا کنند.

نکته‌ای که توضیح آن ضرورت دارد این است که نبود اسامی سایر دانشجویان در این کتاب به منزله غیبت آنان از فعالیت‌های سیاسی در پل‌تکنیک نبوده است. بسیاری از فعالان جنبش دانشجویی (به‌ویژه جنبش غیر مذهبی) مستثنا از نام آنان در این متن نیست، به‌طور طبیعی اولاً با تعداد محدودی از افراد گفت‌وگو کرده‌ام؛ ثانیاً، در تعداد از میان دانشجویان چپ بسیار کمتر بوده‌اند و از این رو انتظار نمی‌رود که حق افراد و جریان‌ات چپ‌گرا داده شده باشد.

نکته دیگری که در نقل برخی از رویدادها رعایت شده، حذف برخی اسامی است. در رویدادهایی که به نحوی نشانگر خصلت یا ویژگی منفی (چه با معیارهای زمان گذشته و چه با معیارهای امروزی) بوده و احیاناً نقل اسامی در آن‌ها، برداشت‌هایی را به‌وجود می‌دهد تداعی می‌کند، نام فرد حذف شده است، به‌ویژه اگر فرد در قید حیات باشد. زیرا قصد من از بستن این رویدادها، قضاوت کردن درباره فرد نبوده که ضرورتی به بیان اسم و رسم وی باشد، بلکه هدف درک فرآیندها و رویدادها فارغ از اشخاص بوده است. اتفاقاً یکی از منافع حذف این گونه اسامی هم تمسک نکردن خواننده به واقعیت جریان‌ات و غرق نشدن در اشخاص و بازیگران است.

شاید خوانندگان عزیز که تجربه زندگی در دهه چهل و پنجاه اخیر را ندارند، از مطالعه این متن دچار تعجب شوند، این‌که چگونه برخی افراد به راحتی تصمیم به کشتن یا زدن می‌گرفتند و با راحت‌تر از آن در مسیر کشته شدن گام برمی‌داشتند. این پژوهش سعی کرده است که فضای عمومی آن زمان را تا حدی به تصویر بکشد که این رفتارها در آن شرایط درک‌شدنی‌تر باشد. اما خواننده‌ها هم نباید تعجب کنند، از این‌که اگر چهل سال بعد، کسی به رفتارهای امروزی آنان نگاه نماید، آن‌ها را تا حدی عجیب ارزیابی کند، بنابراین هر رفتاری در زمینه اجتماعی و سیاسی آن قایل درک است، گرچه این مسأله مانع از ارزیابی غلط یا درستی، اخلاقی یا غیر اخلاقی بودن آن رفتار در همان شرایط نمی‌شود. در همین رابطه یکی از حکایتی که بسیاری از مصاحبه‌شوندگان حین گفت‌وگو متذکر می‌شدند، تأکید آنان بر داشتن نگاه انتقادی به گذشته خود و تأکید بر غلط بودن برخی از رفتارها و اقدامات خودشان یا دیگران در آن مقطع زمانی است، برخی علاقه‌مند بودند که نقل قول آنان نیز با همین تأکیدات متشرف

شود، اما از آنجا که در ابتدای هر گفت و گویی تأکید می‌کردم که نقل ذهنیت و خاطرات و رویدادهای گذشته را با همان احساس و برداشت آن زمان بیان کنند، آنان باید حس خود را از فضای آن زمان منتقل می‌کردند که چگونه و چه چیزی را دوست داشتند و یا حتی چرا لحظه شماری می‌کردند که بکشند یا کشته شوند، چرا از زنده ماندن خود شرمند بودند و... ولی این به معنای آن نیست که امروز نیز همان احساس و برداشت را نسبت به گذشته داشته یا تکرار آن وضع را در حال حاضر خواهان باشند، بنابراین خوانندگان کتاب توجه خواهند داشت، که سوگیری متن براساس معیارها و ارزش‌ها و برداشت‌های زمانه و قضاوت آن‌هاست و لزوماً در حال حاضر از تمامی آن‌ها دفاع نمی‌شود.

در نوشتن چنین متونی، رعایت بی‌طرفی کامل غیر ممکن است، و نویسنده این سطور نیز از جانبدار بودن برای نیستی یک چیز را می‌دانم؛ برای مؤثر بودن هر نوشته‌ای از این نوع، بهتر است که بی‌طرفی را در حد نهایی رعایت کرد در غیر این صورت هر خواننده فهیمی به سرعت متوجه جانبدارانه بودن متن خواهد شد و در این صورت حتی اگر نکات مثبتی هم در آن متن باشد، به علت جانبداری و تعصب نویسنده، از سوی خواننده دیده گرفته خواهد شد، اما این که این نویسنده تا چه حد موفق به رعایت این قاعده پژوهشی شده است باید عهده قضاوت خوانندگان و اهل نظر واگذار کرد.

انجام چنین تحقیقی اگر همراه ادبیات و منابع و اسناد شهرتانی، ساواک و وزارت علوم و دانشگاه می‌شد، بسیار پر بارتر می‌بود، اما چنان‌که در بیان گذشت، در اظهار تأسف از این که هنوز پس از گذشت سه دهه از سقوط آن رژیم، دسترسی به اسناد و مدارک تاریخی، که حق آحاد مردم است به سهولت و حتی به سختی امکان‌پذیر نیست و مطالبی که با تکیه بر این گونه اسناد در مطالعه موجود آمده است، کمتر از یک درصد استادات را شامل می‌شود و امیدوارم که در سال‌های آینده دسترسی پژوهشگران به این اسناد که تبدیل به صندوقچه‌های خصوصی شده است، فراهم گردد.

در بخش ضمایم، برخی از اسناد و تصاویر آمده که عموماً از آلبوم شخصی مصاحبه‌شوندگان اخذ شده است. متأسفانه بسیاری از دانشجویان به دلیل گذشت زمان به دلیل فراموشی از دسترسی ساواک مدارک و عکس‌های خود را معدوم کرده‌اند، اما نکته مهم‌تر این که اسناد ضمیمه به اختیار دانشجویان سال‌های ۱۳۴۷ به پیش است، در حالی که دانشجویان دوره‌های بعدی اصولاً مدارک و اسناد هستند و هیچ کدام از آنان به لحاظ امنیتی چنین مواردی را تهیه یا نزد خود نگهداری نمی‌کردند.

در تدوین بخش اصلی متن، فاصله زمانی پژوهش یعنی ۱۳۳۸ تا ۱۳۵۷ به چهار مقطع تقسیم شده، این تقسیم‌بندی در عین آن که قراردادی به نظر می‌رسد، واجد نوعی تفاوت به لحاظ سیاسی و تغییر شکل مبارزه سیاسی و صنفی در داخل دانشکده پلی تکنیک و حتی شیوه مدیریتی در آن نیز هست، که در این باره در متن توضیح داده شده است. به جز تقسیم‌بندی زمانی، به لحاظ موضوعی هر یک از بخش‌های چهارگانه نیز تقسیم‌بندی شده است، این کار با هدف ارائه بهتر مطالب و حفظ انسجام در

رنه هر مصطب صورت گرفته است. اما در عوض مشکل تکرار ر ایجاد کرده و مطالب معینی در برخی از بخش‌ها یا موضوعات تکرار شده که از نظر نویسندۀ ذکر آن‌ها گریزناپذیر می‌نموده است.

هم‌چنین باید صادقانه بگویم که وقتی که صرف این پژوهش کرده‌ام قابل مقایسه با هیچ یک از پژوهش‌های دیگری که تاکنون داشته‌ام نبوده است، و فقط در طول کار است که می‌توان متوجه شد که در این گونه پژوهش‌ها برای پیدا کردن خط و ربط اتصال وقایع یا اصلاح یک تاریخ یا اسم، بعضاً تا چه حد لازم است که وقت صرف شود، در نتیجه پس از پایان کار بود که به اهمیت و ارزش کار کسانی پی بردم که در مورد وقایع گسترده‌تری مثل انقلاب مشروطیت، یا حوادث بعدی تحقیق کرده‌اند. در پایان سیفه خود می‌دانم از کسانی که به نحوی در انجام این کار کمک کرده‌اند تشکر کنم، با این توضیح که اقتصار منکبات کار تماماً به عهده من است و با خواندن متن متوجه خواهید شد که خوبی‌های آن معسول سوجه و حافظه و همکاری خوب دیگران است. اول از همه از دوستانی که مشوق اولیه این کار بودند و به‌طور مشخص از آقایان دکتر محسن میردامادی و مهندس ناصر خالقی باید سپاسگزار بود. در مرحله بعد کلید تشجویان و فعالان پلی تکنیک (حدود ۸۰ نفر) که با علاقه، هرکدام حداقل یک و حداکثر چهار اسم به من ۲ تا ۳ ساعته را صرف گفت‌وگو کرده‌اند، که اسامی آنان در ادامه این مقدمه آمده است. هم‌چنین برخی از این دوستان بخش مربوط به خود و بعضاً کل متن را خوانده‌اند و پیشنهادهای اصلاحی متعددی را داده‌اند. نمایان محمدرضا خرم‌آبادی، علی آقاجفی، محمدرضا واقفی، لطف‌الله مکرمی و محسن شریف‌زاده بیش از آنچه که انتظار می‌رود، مساعدت کردند. در مرحله بعد از مسئولین محترم پژوهشکده امام خمین آقایی روحانی و ولایی باید سپاسگزار بود که حمایت‌های لازم را از انجام این طرح فراهم کردند، هم‌چنین فاضل دکر حاضری که با مطالعه متن، برخی اصلاحات را پیشنهاد نمودند. آقای امیر عظیمی مدیر محتوای پژوهش مؤسسه که با علاقه‌مندی و صمیمیت پیگیر اجرای طرح بودند، آقای حسین نوری‌نیا هم نظارت و استخراج اطلاعات از پرونده‌های دانشجویان را متقبل شدند که این استخراج به وسیله خانم فاطمه نسیمی و آقای مهدی نجفیان در طول حدود دو ماه انجام شد. هم‌چنین کار پیاده‌کردن نوارها که بیش از ۱۰۰ ساعت گفت‌وگو بود را نزدیکان خانوادگی من عهده‌دار بودند، معصومه (خواهر)، مریم (دختر)، سارا (دختر) و فاطمه (دختر خواهر) در این زمینه کمک‌کار بوده‌اند. هم‌چنین تایپ پر دردسر این کار که بارها و بارها ویرایش شد، به عهده محمدرضا علی‌نقی بود که از تمام آنان تشکر و قدردانی می‌کنم.

اسامی افرادی که با آنان در این پژوهش گفت‌وگو شده، به شرح ضمیمه است، این گفت‌وگوها از بهار سال ۱۳۸۶ تا پاییز سال ۱۳۸۸ انجام شده است. اما بیش از ۹۰ درصد موارد در فاصله بهار ۱۳۸۶ تا پاییز ۱۳۸۷ انجام شده است.

اسامی کسانی که با آن‌ها در طرح تاریخچه جنبش دانشجویی پلی تکنیک مصاحبه شده است

ردیف	نام	نام خانوادگی	سال ورود	سال فارغ التحصیلی	تعداد جلسات مصاحبه
۱	فریدون	آقاسی	۱۳۳۷	۱۳۴۲	۱
۲	علی	آقاجفی	۱۳۵۲	۱۳۵۸	۳
۳	عباس	آیت‌اللهی	۱۳۳۷	۱۳۴۰	۱
۴	ناصر	ابراهیمی	۱۳۵۱	۱۳۵۶	۱
	حسین	اخوان طباطبایی	۱۳۳۸	۱۳۴۲	۱
۶	احمد رضا	اکبر نژاد	۱۳۴۹	۱۳۵۴	۱
۷	سید محمد	امام‌زاده واقفی	۱۳۴۷	۱۳۵۳	۱
۸	قمری	امانپور	۱۳۵۲	۱۳۶۲	۴
۹	فخرالدین	انوار	۱۳۴۴	۱۳۴۸	۱
۱۰	ابوالفضل	باران	۱۳۳۷	۱۳۴۱	۱
۱۱	عبدالمعلی	زرگر		دانشگاه ملی - طراح مسجد پلی تکنیک	مکاتبه
۱۲	انوشیروان	بشرد	۱۳۳۹	۱۳۴۳	۱
۱۳	کریم	بشارتی	۱۳۴۱	۱۳۴۵	۱
۱۴	احمد رضا	تبریزی	۱۳۴۱	۱۳۴۸	۱
۱۵	کمال	تبریزی	۱۳۵۶	تغییر رشته داد.	۱
۱۶	محمد جعفر	جدابایی	۱۳۴۹	رئیس دانشکده	۱
۱۷	سهیلا	جلودارزاده	۱۳۵۴	۱۳۶۴	۱
۱۸	محمود	جوادیان	۱۳۴۹	۱۳۵۱	۲
۱۹	سعید	حجاریان	۱۳۳۲	۱۳۵۶	۱
۲۰	سید محمد رضا	حسینیان	۱۳۴۳	۱۳۴۷	۱
۲۱	رضا	حمیدی	۱۳۳۸	۱۳۴۲	۱
۲۲	غلامرضا	حیدری	۱۳۵۳	۱۳۵۹	۱
۲۳	ناصر	خالقی	۱۳۴۷	۱۳۵۳	۳
۲۴	محمد رضا	خانیکی	۱۳۵۲	۱۳۵۸	۱
۲۵	جواد	خوانساری	۱۳۳۹	۱۳۴۴	۱
۲۶	هاشم	خویی	۱۳۳۸	۱۳۴۲	۱
۲۷	محمد رضا	دانش کوش	۱۳۵۲	۱۳۵۸	۱
۲۸	نریمان	درفشی	۱۳۴۱	۱۳۴۵	۱

ردیف	نام	نام خانوادگی	سال ورود	سال فارغ التحصیلی	تعداد جلسات مصابحه
۲۹	محمد علی	ذکر	۱۳۴۸	۱۳۵۴	۱
۳۰	باقر	ذهبیون	۱۳۴۸	۱۳۴۹	۱
۳۱	سعید	ذهبیون	۱۳۵۴	۱۳۶۲	۱
۳۲	غلامحسین	زرگر نژاد	-	محقق تاریخ دانشگاه تهران	۱
۳۳	بهری	زندگی	۱۳۵۰	۱۳۵۵	۱
۳۴	مصطفی	سپهسالاری	۱۳۴۸	۱۳۵۳	۱
۳۵	سید رضا	سپهوند	۱۳۵۰	۱۳۵۵	۱
۳۶	رامین	سلیقه عراقی	۱۳۴۶	به علت زندان فارغ التحصیل کارشناسی نشد.	۳
۳۷	سیاوش	سیمی	۱۳۳۹	۱۳۴۳	۱
۳۸	محسن	یعدزاده	۱۳۵۰	۱۳۷۳	۱
۳۹	محمود	ریفی	۱۳۴۹	۱۳۵۴	۲
۴۰	عباس	شهرمدام	۱۳۴۱	۱۳۴۵	۱
۴۱	احمد	شفاعت	۱۳۴۷	۱۳۵۲	۱
۴۲	محمد حسین	شمس ابراهیم آبادی	۱۳۴۳	۱۳۴۷	۱
۴۳	محمد حسین	شهری	۱۳۴۱	۱۳۴۴	۱
۴۴	جمشید	صداقت کیش	۱۳۴۰	۱۳۴۳	۱
۴۵	نسرین	صدری	۱۳۴۰	۱۳۴۳	۱
۴۶	جعفر	صفری	۱۳۵۰	۱۳۴۴	۱
۴۷	منوچهر	صنیع پور	۱۳۳۹	۱۳۴۴	۱
۴۸	شیرین	صوراسرافیل	۱۳۴۰	۱۳۴۴	۱
۴۹	سید محمد رضا	طاهر خرم آبادی	۱۳۴۷	۱۳۵۳	۳
۵۰	بهرام	طاهری	۱۳۵۴	۱۳۶۴	۱
۵۱	حسین علی	طراوت	۱۳۴۴	۱۳۴۸	۱
۵۲	ناصر	طلوعی	۱۳۴۲	۱۳۴۶	۱
۵۳	محمود	عجمی	۱۳۴۵	۱۳۴۹	۲
۵۴	علی	عرب زاده	۱۳۴۹	۱۳۵۵	۱
۵۵	رضا	عسکریه	۱۳۴۰	۱۳۴۴	۱
۵۶	محمد باقر	غفرانی	۱۳۴۳	۱۳۴۷	۱
۵۷	محمد	فروغی	۱۳۵۰	۱۳۵۵	۱

ردیف	نام	نام خانوادگی	سال ورود	سال فارغ التحصیلی	تعداد جلسات مصاحبه
۵۸	حسن	فریداعلم	۱۳۳۸	۱۳۴۹	۱
۵۹	بهروز	قاضی زاده	۱۳۴۳	۱۳۴۷	۱
۶۰	مرتضی	قضا	۱۳۴۳	۱۳۴۷	۱
۶۱	عباس	کوچکیان	۱۳۴۴	۱۳۴۸	۱
۶۲	علی	کیوان آرا	۱۳۵۵	۱۳۶۶	۱
۶۳	مرتضی (منوچهر)	گلپور	۱۳۴۸	۱۳۵۶	۱
۶۴	علی اصغر	گل سرخی	۱۳۳۸	۱۳۴۳	۱
۶۵	کا	ماپار	۱۳۴۹	۱۳۵۴	۱
۶۶	محمد	مروج	۱۳۴۰	۱۳۴۳	۱
۶۷	مسعود	معین زاده	۱۳۴۰	۱۳۴۳	۱
۶۸	مرتضی	تم	۱۳۳۸	۱۳۴۲	۱
۶۹	لطف الله	تری	۱۳۴۴	۱۳۵۱	۳
۷۰	یوسف	محم	۱۳۴۳	۱۳۴۷	۱
۷۱	سیروس	می	۱۳۴۵	۱۳۴۹	۱
۷۲	سید حسین	موسویانی	۱۳۴۴	۱۳۴۸	۱
۷۳	منصور	مهاجر	۱۳۴۳	۱۳۵۲	۱
۷۴	گلی	مهدیزاده	-	کارمند دانشکده	۱
۷۵	مسعود (علی اکبر)	مهر فرد	۱۳۵۲	۱۳۵۸	۱
۷۶	محسن	میر دامادی	۱۳۵۲	۱۳۵۹	۲
۷۷	بهزاد	نبوی	۱۳۴۰	۱۳۴۴	۲
۷۸	بهرام	نمازی	۱۳۴۰	۱۳۴۴	۱
۷۹	عبدالرضا	نواب بوشهری	۱۳۴۴	به دلیل زندان فارغ التحصیل نشد.	۲
۸۰	علی	نور صادقی	۱۳۴۰	به دلیل زندان فارغ التحصیل نشد.	۱
۸۱	مهدی	نیکدل	۱۳۵۱	۱۳۶۳	۱
۸۲	عباس	واحدی کمال	۱۳۴۶	۱۳۵۱	۲
۸۳	سید محمد	هاشمی	۱۳۵۳	۱۳۶۳	۱
۸۴	سید مصطفی	هاشمی طباطبائی	۱۳۴۴	۱۳۴۸	۱